



ژورنال حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۲۴ (صفحات ۳۴۰-۳۱۹)



راهبرد سند الحاقی ۲۰۱۴ به اساسنامه دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا در قبال جرایم جنگی با نگاهی به اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی

دکتر پیمان نامامیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

تأسیس «دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا» در تفاوتی فاحش با تأسیس دیگر محاکم کیفری بین‌المللی قرار دارد. از این رو، تأسیس دیوان آفریقا بر پایه عدم همکاری دولت‌های آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی و عدم پذیرش صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم بین‌المللی در قلمرو قاره آفریقا شکل گرفت. البته تأسیس چنین دیوانی در ابعاد گوناگونی می‌تواند چالش‌های قابل ملاحظه‌ای از حیث هم‌پوشانی صلاحیت قضایی با دیوان کیفری بین‌المللی را ایجاد نماید. با این حال، دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا با الحاق سند تکمیلی موسوم به «سند الحاقی مالابو» طی سال ۲۰۱۴، صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی را در سطح قاره آفریقا پیدا نمود. البته علی‌رغم این که درج مصادیق جرایم جنگی در سند مزبور به مثابه بازخوانی مقرره‌های مصوب در اساسنامه رم به‌شمار می‌رفت، اما مسأله حاکی از استقرار صلاحیت رسیدگی در قلمرو دیوان آفریقا بود. بر این اساس، دیوان آفریقا در قبال رسیدگی به جرایم جنگی براساس سند الحاقی، مبادرت به رفع چالش‌هایی نظیر رعایت موازین حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه، حمایت از حقوق کودکان، کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی، و غیره نمود.

واژگان کلیدی: جرایم جنگی، مخاصمات مسلحانه، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا، سند الحاقی مالابو، دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه

جامعه بین‌المللی در پرتو عدالت کیفری با تأسیس محاکم کیفری گوناگون، درصدد مواجهه مؤثر و متناسب با جرایم بین‌المللی و همکاری‌های همه‌جانبه راجع به عوامل جرایم ارتكابی گام‌هایی برداشت که نتیجه آن‌ها را می‌توان در محاکم کیفری بین‌المللی اعم از نسل‌های اول، دوم و سوم ملاحظه کرد. این در حالی است که هر یک از محاکم مزبور در ابعاد گوناگون دارای موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی در نیل به اهداف خود بودند. بنابراین، در نظام حقوق بین‌الملل تحولات قابل تأملی روی داده که ملاحظات انسانی فصل مشترک بسیاری از آنهاست. ظهور و روند روبه تکامل مفهوم جامعه بین‌المللی، متضمن شناسایی ارزش‌های بنیادین برای این جامعه است، به نحوی که تضمین حمایت و احترام به اصول و ارزش‌های مزبور به منزله دغدغه‌ای مشترک در نظام بین‌المللی مورد توجه است. تاکنون ابزارها و شیوه‌های گوناگونی برای حراست از منافع و ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی پیش‌بینی شده که هر یک درجه‌ای از مؤثر بودن را دارا هستند، اما مؤثرترین اقدام، ضمانت اجرای کیفری و به‌دیگر سخن، «تعقیب، محاکمه و مجازات نقض گسترده ارزش‌های بنیادین جامعه است. به این ترتیب ایده عدالت کیفری بین‌المللی، به منزله یکی از آرمان‌های مهم جامعه بین‌المللی مطرح است که تلاش می‌شود توسط مراجع قضایی کیفری از جمله محاکم بین‌المللی و ملی محقق گردد، هر چند هنوز در ابتدای مسیر قرار دارد و تا رسیدن به نقطه ایده آل، بسیار فاصله دارد.» (زمانی و حسینی‌اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۳۱۵) بنابراین، اجرای عدالت کیفری در سطح بین‌المللی (هم‌چون اجرای عدالت کیفری در سطح ملی) در معرض رفتارهای مجرمانه‌ای قرار دارد که مانع اجرای عدالت در مسیر درست می‌شوند. «برخی از محاکم بین‌المللی موردی در فرایند دادرسی با چالش نحوه رسیدگی به این جرایم روبه‌رو شدند. قضات این محاکم صلاحیت رسیدگی به این جرایم را این‌گونه توجیه می‌کردند که چون صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی را دارند پس اختیار محاکمه افراد اخلاص‌گر در دادرسی این جرایم را دارند؛ رویکردی که از سوی حقوق‌دانان مورد انتقاد واقع شد. براساس چنین تجربه‌ای در حقوق بین‌الملل کیفری، مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه رُم به جرایم علیه اجرای عدالت اختصاص یافته است.» (میرمحمدصادقی و عابد، ۱۳۹۱: ۳۲۵-۳۲۳).

به‌رغم پذیرش آئین و اصول مشترک میان کشورهای جهان در جامعه بین‌المللی و جرم‌انگاری رفتارهای قبیح و تبعیض‌آمیز، همواره تمایل جامعه بشری بر این امر استوار بوده است که همانند تعقیب، محکومیت و اجرای کیفر نسبت به مرتکب جرم در قلمرو حاکمیت سرزمینی، عاملان ناقض اصول و مقرره‌ای بین‌المللی نیز محکوم به کیفر اقدام‌های مجرمانه شوند. جامعه بین‌المللی در پرتو عدالت کیفری با تأسیس محاکم کیفری گوناگون، درصدد مواجهه مؤثر و متناسب با جرایم

بین‌المللی و همکاری‌های همه‌جانبه راجع به عوامل جرایم ارتكابی گام‌هایی برداشت که نتیجه آن‌ها را می‌توان در محاکم کیفری بین‌المللی اعم از نسل‌های اول، دوم و سوم ملاحظه کرد. این در حالی است که هر یک از محاکم مزبور در ابعاد گوناگون دارای موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی در نیل به اهداف خود بودند. بنابراین، در این رابطه می‌توان به تأسیس دادگاه‌های موقت نظامی بین‌المللی «نورنبرگ» و «توکيو» در تعقیب و به کیفر رساندن عاملان جنایات بین‌المللی ارتكابی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی (شامل، تبعید توده‌های عظیم اشخاص حقیقی، اقدام‌های خشونت‌آمیز، شکنجه، نسل‌کشی قومی و نژادی و محبوس کردن میلیون‌ها اشخاص حقیقی در اردوگاه‌ها) در خلال جنگ دوم جهانی، اشاره داشت. با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، مجمع عمومی این سازمان با تصویب «کنوانسیون پیشگیری از جنایت نسل‌کشی و مجازات آن، مصوب ۱۹۴۸» و طی ماده ۶ کنوانسیون، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی را برای محاکمه مرتکبان این جنایات مقرر کرد.

طی سال ۱۹۹۸ مجمع سران دولت‌ها و کشورها در «اواگوداگو» در بوکینافاسو پروتکلی در خصوص تأسیس یک «دادگاه آفریقایی حقوق بشر و ملت» تصویب نمودند که در نهایت با لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۰۴ به تأسیس «دادگاه آفریقایی حقوق بشر و ملت» در همان سال منجر گردید. دادگاه به‌عنوان مکمل کمیسیون و برای پوشش دادن نقاط ضعف موجود در سیستم نظارتی و حمایتی کمیسیون تشکیل شده است. این دادگاه در واقع قرار است بازوی اجرایی کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا باشد و هر فرد یا مقام حقوقی یا سازمانی که به کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا شکایت یا مراجعه کند، پرونده‌ای برای او در دادگاه حقوق بشر تشکیل شده و رسیدگی قضایی در این پرونده آغاز می‌شود. «رابطه دیوان با کمیسیون در پروتکل به‌طور کامل روشن نیست. در مقدمه پروتکل، هدف از این دیوان تکمیل و اجرای کارکردهای کمیسیون مقرر شده است. در اساسنامه دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا مقرر است، هر پرونده‌ای پس از تایید کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا در این دادگاه مورد پذیرش قرار می‌گیرد.» (اسلامی و بصیرت، ۱۳۸۸: ۱۳۹) لازم به‌ذکر است این کمیسیون تنها نهاد نظارتی به رسمیت شناخته شده وفق ماده ۳۰ «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها» به‌منظور ارتقای حقوق بشر و تضمین حمایت از آن‌ها در آفریقا است که تأسیس شد.

در کمیسیون ضمن عدم تصمیم قضایی، رسیدگی به‌طور تقریبی وفق مفاد مقرر در قطعنامه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد صورت می‌پذیرد. این قطعنامه، به کمیسیون فرعی حقوق بشر مجوز داده است که شکایات واصله به دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص مسائل حقوق بشری و پاسخ‌های ارائه شده از سوی دولت‌ها را دریافت کند و یک گروه کاری مرکب از پنج

نفر را جهت بررسی تشکیل دهد تا گزارش خود را به کمیسیون فرعی اعطا کند. در کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا محرمانگی گزارش وجود دارد و در واقع برای قابلیت انتشار گزارش لازم است تا مجمع سران اتخاذ تصمیم کنند.

با وجود این، اتحادیه آفریقا سعی بر آن نمود تا صلاحیت «دیوان آفریقایی حقوق بشر و ملت» و «دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر» را توسعه دهد. با امتزاج، تلفیق و تجمیع دیوان‌های مزبور در قالب و چارچوب نوینی با عنوان «دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا» [یا «دیوان آفریقا»] با تصویب پروتکل [از این به بعد «سند الحاقی» خوانده می‌شود] شرم‌الشیخ در ژانویه ۲۰۰۸ مطرح شد، اما اتحادیه آفریقا به این امر بسنده نکرد و در بیست‌وسومین اجلاس عادی خود در بیست‌وهفتم ژوئن ۲۰۱۴ در «مالابو» گینه، «سند الحاقی شرم‌الشیخ» را بازنگری کرد و با اقتباس از اساسنامه رُم بخش سومی تحت عنوان «حقوق بین‌الملل کیفری» به ساختار و صلاحیت‌های دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا افزود. «سند الحاقی مالابو» و اساسنامه منضم به آن سی روز پس از تودیع پانزدهمین سند تصویب لازم‌الاجرا خواهد شد. «تاکنون تنها دولت‌هایی نظیر «بنین»، «گینه بیسائو»، «کنیا»، «موریتانی» و «کنگو» سند الحاقی مزبور را به تصویب رسانده‌اند. بنابراین، لازم است اذعان شود که اساسنامه دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا، به دلیل عدم لازم‌الاجرا شدن سند الحاقی مالابو تاکنون در راستای اهداف خود آغاز به کار نکرده است.» (رضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۸۱-۲۸۰) آنچه در این بین به‌عنوان موانع عدم اجرایی شدن اساسنامه دیوان قابل ملاحظه است مشتمل بر عللی نظیر «ادغام دیوان آفریقایی حقوق بشر و ملت و دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»، «مسائل و مشکلات مالی در دیوان‌ها» و «تعویق انتخاب قضات دیوان به جهت عدم استقبال دولت‌ها در معرفی نامزدهای تصدی سمت قضاوت» بود.^۱

اهدافی که این مقاله درصدد مطالعه و ارزیابی آن بوده مشتمل بر الف- شناسایی فرایند شکل‌گیری سند الحاقی و مبانی صلاحیت قضایی در دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا؛ ب- معیارها و اصول حاکم در رسیدگی به جرایم جنگی وفق راهبرد حاکم در سند الحاقی مالابو و انطباق آن‌ها در اساسنامه رُم؛ ج- وضعیت استعمال سلاح‌ها و روش‌های جنگی سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی؛ د- نحوه حمایت از حقوق کودکان در چارچوب حقوق بشردوستانه، است که ضمن مطالعه راهبرد حاکم در قلمرو سند الحاقی مالابو در قبال جرایم جنگی، مبانی، اصول و معیارهای مقرر در بند «D» ماده ۲۸ در سند مزبور در انطباق با اساسنامه رُم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ضمن، روش مطالعه در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها به صورت «توصیفی و

۱. ر.ک: ضیایی و جعفرزاده‌درابی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۲.



کتابخانه‌ای» است. از اینرو، در تقریر این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مبادرت به ارزیابی و سنجش اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون شده است.

۱. خروج و عدم همکاری دولت‌های آفریقایی؛ چالش‌ها و دستاوردها

تصویب اساسنامه رُم و به تبع آن تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی همراه با تردیدهایی بود. امید به ایجاد عدالت کیفری در جامعه بین‌المللی و ابهام‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن، فضای حاکم بر نظام کیفری بین‌المللی را با وضعیتی ناهمگون مواجه ساخته بود. وفق همین امر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست تا امکان تأسیس یک دیوان بین‌المللی دائمی را مورد بررسی قرار دهد. البته به جهت موقتی بودن محاکم مزبور، «اندیشه تأسیس یک مرجع کیفری بین‌المللی دائمی برای محاکمه مرتکبان مهم‌ترین جنایات شنیع بین‌المللی از دیرباز مطرح بوده است. این ایده، که تحقق آن آرزوی بسیاری از مصلحان و آزادی‌خواهان هم‌چون «گوستاو موانیه»^۱ از بنیان‌گذاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بوده است، امروزه به منصف ظهور رسیده و از اول ژانویه ۲۰۰۲ دیوان کیفری بین‌المللی بر پایه اساسنامه رُم به‌عنوان مرجعی دائمی برای این امر تشکیل شده است، اما تجربه جامعه جهانی برای محاکمه مرتکبان این جنایات، منحصر به تشکیل این دیوان نیست؛ آن‌گونه که در مقاطعی از زمان و حسب ضرورت، محاکم ویژه‌ای برای تعقیب و رسیدگی به برخی از جنایات بین‌المللی تأسیس شده است.» (خالقی، حبیب‌زاده و صلاحی، ۱۳۹۱: ۲۴۰)

مطابق ماده ۵ اساسنامه رُم، صلاحیت دیوان منحصر است به مهم‌ترین جرایمی که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است. بنابراین به‌موجب ماده مزبور، دیوان نسبت به جنایاتی هم‌چون «نسل‌کشی» مقرر در ماده ۶، «جنایات علیه بشریت» مقرر در ماده ۷، «جنایات جنگی» مقرر در ماده ۸ و «جنایت تجاوز» صلاحیت رسیدگی را دارد. مطابق مواد ۸۶ تا ۹۹ اساسنامه رُم، همکاری میان دولت‌های عضو با دیوان، دولت‌ها را بر آن داشت تا قواعد نوینی در چارچوب نظام کیفری در سطح ملی مقرر کنند که همین امر منجر به اتصال قلمرو و برقراری پیوند ماهوی و شکلی میان حقوق بین‌المللی عمومی و حقوق کیفری شد. این در حالی است که «حتی پس از گذشت دو دهه از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد در جامعه جهانی، در حال از دست دادن جایگاه خود است. مؤید این امر خروج فزاینده دولت‌های آفریقایی از عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی است که تأملی معنادار و سرشار از نگرانی درخصوص آینده این نهاد قضایی بین‌المللی در قبال آرزو

1. 706 Gustave Moynier

و آرمان جامعه جهانی نسبت به استقرار دیوانی بین‌المللی در راستای تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم شدید و شنیع جهانی وجود دارد.» (Jalloh and Ilias, 2017: 184)

مواضع دولت‌های آفریقایی در عدم نیل به اهداف مقرر در اقدام‌های دیوان کیفری بین‌المللی به عدم همکاری‌های بین‌المللی ختم نمی‌شود، بلکه این امر به طرح امکان خروج دولت‌های آفریقایی در صورت تداوم مواضع دیوان کیفری بین‌المللی یا حتی تهدید به خروج نیز تسری پیدا کرده است. وفق بند نخست از ماده ۱۲۷ اساسنامه رُم دولت‌های عضو بدون ارائه دلیل در هر زمانی امکان انصراف و خروج از دیوان کیفری بین‌المللی را طی ابراز اعلامیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد دارند. در این راستا، آفریقای جنوبی برون‌دی، گامبیا و حتی فیلیپین طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، اعلامیه کتبی خود را دائر به خروج از عضویت در دیوان را به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کرده‌اند. این در حالی است که به‌رغم استقبال و حمایت کامل اتحادیه آفریقا از اقدام دولت‌های آفریقایی در خروج از دیوان، اما آفریقای جنوبی و گامبیا نسبت به خروج از دیوان انصراف دادند؛ اما برون‌دی در قاره آفریقا و فیلیپین در قاره آسیا به ترتیب طی ۲۷ اکتبر و ۱۷ مارس ۲۰۱۹ تصمیم خود را در این خصوص جامه عمل پوشاندند.^۱ در این زمینه، می‌توان به نامه‌ارسالی از سوی اتحادیه آفریقا راجع به نحوه رسیدگی در قبال جرایم ارتكابی از سوی رئیس‌جمهور کنیا و معاونان وی پس از انتخابات سال ۲۰۰۷ در این کشور، اشاره کرد.^۲ البته شناسایی رسمی مصونیت عوامل جرایم بین‌المللی از نظر دولت‌هایی آفریقایی مانعی برای همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در ارجاع وضعیت‌های مجرمانه یا جمع‌آوری و ارسال ادله مجرمانه در دسترس دولت یا استرداد مجرم خواهد بود.^۳

دولت‌هایی نظیر جیبوتی، چاد، کنیا و حتی مالاوی با چنین رویکردی در چارچوب اعلامیه صادره در سال ۲۰۱۰ از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای صلاحیت کیفری نسبت به دستگیری و استرداد عمرالبشیر خودداری ورزیدند.^۴ در ضمن، مبنای عملکرد اتحادیه آفریقا بر عدم همکاری دولت‌های عضو با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری و استرداد عمرالبشیر اغلب مبتنی بر مصالح سیاسی است که به‌طور کلی در چارچوب احکام صادره از سوی دیوان در خصوص دستگیری عمرالبشیر قرار نمی‌گیرد. با وجود این، دولت‌های چاد و مالاوی به‌رغم دسترسی به

۱. ر.ک: رضایی، مهدوی‌ثابت، آشوری و مهرا، ۱۳۹۸: ۹۰.

۲. ر.ک: زمانی، ۱۳۹۲: ۵۹.

3. African Union (2010), "Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of Decision Assembly on the Second Ministerial Meeting on the Rome Statute of the International Criminal Court", No. Assembly/AU/Dec. 296(XV).

۴. ر.ک: صالحی، ۱۳۹۶: ۷۷-۷۶.



عمرالبشیر از دستور اتحادیه آفریقا تبعیت کردند و برای دستگیری عمرالبشیر و استرداد وی به دیوان کیفری بین‌المللی هیچ واکنشی نشان ندادند (صالحی، ۱۳۹۹: ۷۹۷). با وجود این، «در صورت اقدام عملی تهدید خروج از سوی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، به نظر می‌رسد ضمن عدم ایراد خدشه به اعتبار ماهوی اساسنامه رُم، تهدید به خروج و یا حتی خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی مطابق مفاد مقرر در ماده ۵۵ «کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات» تنها می‌تواند موجباتی برای تنزل جایگاه و منزلت دولت‌های مزبور در چارچوب افکار عمومی بین‌المللی باشد.» (Keppler, 2012: 1-14)

«عدم همکاری دولت‌های آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از موانع عدالت کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا است که منجر به ایجاد آثار منفی و بروز چالش جدی شد.» (Kahombo, 2016: 29-32) «تأکید بر تعقیب رؤسای دولت‌های در حال تصدی در محاکم بین‌المللی نیز در همین راستا است و رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی مبتنی بر بند دوم ماده ۲۷ اساسنامه رُم در تعقیب مقامات مسئول، موجبات عدم همکاری دولت‌های آفریقایی و طرح خروج آن‌ها از اساسنامه رُم را فراهم نموده است.» (علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۸۴) اگرچه خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، لطمه‌ای به ماهیت آن از حیث حقوق معاهدات وارد نمی‌آورد، اما بدون تردید از منظر سیاسی خروج دولت‌های مزبور می‌تواند مقبولیت دیوان را تحت‌الشعاع قرار دهد و این امر سبب تضعیف دیوان خواهد شد؛ البته این امر می‌تواند مانع از پیوستن سایر دولت‌ها به دیوان شود. هرچند اقدام‌های مقامات آفریقایی مبین این امر است که دیوان آن چنان که باید و شاید نتوانسته برای اقدام‌های خود تبلیغات مناسبی انجام دهد و همگان را نسبت به عملکرد خود اقناع سازد و همچنین دیوان باید سعی بر میرا بودن از نفوذ قدرت سیاسی جهانی را داشته باشد و به‌طور دائمی استقلال خود را انعکاس دهد. بنابراین، «با توجه به این‌که عمده اعضای دیوان کیفری بین‌المللی، دولت‌های آفریقایی است، رفع و مدیریت بحران‌ها و درگیری‌های مستمر و مکرر در این قاره نیازمند مساعدت‌های بین‌المللی است» (See: Martini, 2021: 3-4). افزون بر این، تداوم حیات و نیل به توفیق محاکم کیفری بین‌المللی نیازمند این امر است که دیوان این امکان را داشته باشد تا نسبت به اتهام‌گزینشی عمل کردن، به‌گونه‌ای منطقی و قانع‌کننده پاسخ متناسب ارائه دهد و در قبال انتقادهای آفریقا انعطاف به‌خرج دهد.» (رمضانی‌قوام‌آبادی و بهمنی، ۱۳۹۶: ۲۴-۲۳)

مادامی که تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به‌مثابه استقرار و اجرای صحیح عدالت کیفری بین‌المللی اطلاق شود، اتحادیه آفریقا به تحقق این عدالت به‌واسطه دیوان کیفری بین‌المللی اعتراض خواهد کرد. تمرکز دیوان کیفری بین‌المللی بر قاره آفریقا موجب شده است تا از ادبیات گوناگونی نظیر «استعمار نوین قضایی» و «عدالت‌گزینشی» این دیوان سخن به‌میان آید. «با عدم

حصول نتیجه درخواست‌های اتحادیه آفریقا در نیل به توقف مسائل و قضایای مطروحه علیه برخی از رؤسای دولت‌هایی آفریقایی در دیوان کیفری بین‌المللی، خروج تجمعی از این نهاد قضایی بین‌المللی مطرح و سپس با استفاده از ظرفیت‌های مراجع و نهادهای اتحادیه آفریقا، اندیشه تأسیس «دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا» ایجاد شد. (Ross, 2018: 4-5)

در ضمن، «رویکرد اتحادیه آفریقا در قبال عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا، می‌تواند افزون بر بخشیدن جلوه سیاسی به این امر، موجبات تضعیف دیوان را به سهولت فراهم آورد؛ هرچند به نظر می‌رسد مادامی که دیوان کیفری بین‌المللی در صدد گسترش قلمرو صلاحیت قضایی در قبال جرایم در اقصی نقاط جهان برآید، با تعداد کمتری از انتقادهای از سوی دولت‌های آفریقایی مواجه خواهد بود.» (Imoedemhe, 2015: 74-105)

۲. فرایند شکل‌گیری و تصویب سند الحاقی

مجمع سران کشوری و دولتی اتحادیه آفریقا در هجدهمین نشست عادی خود در ژانویه ۲۰۱۲، از کمیسیون اتحادیه آفریقا خواست گزارش پیشرفت کار کمیسیون در خصوص اجرای رأی مجمع در مورد دیوان کیفری بین‌المللی را در دستور کار نشست آتی وزرای دادگستری و دادستان‌های کل قرار دهد. مجمع اتحادیه آفریقا در متن سال ۲۰۰۹، که در اینجا رأی مجمع خوانده می‌شود، درخواست کرد اتحادیه آفریقا طی رایزنی با کمیسیون حقوق بشر و ملت آفریقا و دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا، مضامین اعطای صلاحیت به دیوان درباره تعقیب و دادرسی جرایمی نظیر نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی را بررسی و مراتب را در سال ۲۰۱۰ به مجمع ابلاغ کند.^۱

پیش‌نویس سند الحاقی تنظیمی، که در آن اساسنامه دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا با گسترش دادن صلاحیت آن بر جرایم بین‌المللی اصلاح شد، در می سال ۲۰۱۲ به تأیید وزرای دادگستری و دادستان‌های کل در امور حقوقی آفریقا رسید.^۲ مجمع اتحادیه در نشست جولای ۲۰۱۲، برخلاف انتظار معمول، سند الحاقی جدید را نپذیرفت و در عوض از کمیسیون خواست طی همکاری با دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا درباره مضامین مالی و ساختاری منتج از گسترش صلاحیت دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا مطالعه کند و از اتحادیه دعوت کرد تا تعریف جرم تغییر حکومت برخلاف قانون اساسی را بپذیرد. کمیسیون باید

1. Assembly/African Union/Dec. 213 (XII) (2012).
2. Min/Legal/ACJHR-PAP/3(II) Rev. 1.5.

گزارش خود را برای بررسی نهادهای سیاسی در نشست سران در ژانویه ۲۰۱۳ ارائه می‌کرد.^۱ در نشست کارشناسی که کمیسیون اتحادیه آفریقا در تاریخ ۱۹ و ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲ در شهر آروشا تانزانیا^۲ برای بررسی درخواست مجمع تشکیل داد، تشخیص داده شد ذیل ماده‌های ۱ و ۲ از ماده ۲۸ پیش‌نویس سند الحاقی، که معرف جرم تغییر حکومت مغایر با قانون اساسی است، نیازی به اصلاحیه ندارند. «این گروه درباره مضامین مالی و ساختاری، رویکرد ساده‌انگارانه و بسیار خوش‌بینانه‌ای اتخاذ کرد و به این نتیجه رسید که فقط هزینه‌های اضافی مجسم‌شده با گسترده شدن ساختار و عملکرد دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا ارتباط دارند.» (Clark, 2018: 38-41)

طی ژانویه ۲۰۱۳، مجمع تغییر حکومت برخلاف قانون اساسی را پذیرفت؛ یعنی اگرچه در یافته‌های گروه در مورد مضامین مالی و ساختاری گسترش به‌وضوحی به اشتراک گذاشته نشده، بدون بازنگری موضوع، این رأی گویای موضع گروه است. متعاقب آن، مجمع از کمیسیون اتحادیه آفریقا خواست گزارشی را در این باره تنظیم کند. جالب اینکه مجمع از کمیسیون خواست به‌همراه شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا موضوع شورش مردمی را با تمامی ابعادش و سازوکار مناسبی که بتواند مشروعیت چنین شورش را تعیین کند به‌شکل جامع‌تری بررسی کنند. کمیسیون باید گزارش خود در این زمینه را به مجمع در می ۲۰۱۳ ارائه می‌کرد. برخلاف انتظار بسیاری از صاحب‌نظران و مسئولان حاکمیتی، مجمع اتحادیه آفریقا در بیست‌وپنجمین نشست عادی خود، سند الحاقی مالا بو را در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۴ در گینه استوایی پذیرفت.

با این همه، حمایت از تعقیب و رسیدگی به جرایم بین‌المللی در یک دیوان منطقه‌ای در آفریقا به دلایلی نظیر «ضرورت تعقیب و رسیدگی در گذشته»، «وجود تعهد حقوقی و معاهداتی» و «اختصاص ارتکاب برخی جرایم در آفریقا که تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار ندارد» است. بنابراین، مشروعیت صلاحیت تعقیب و رسیدگی به جرایم ارتكابی برای دیوان کیفری آفریقا در مقابل دیوان کیفری بین‌المللی از سوی کمیته حقوق دانان برجسته آفریقا راجع به قضیه «حیسن هابره»^۳ مورد حمایت قرار گرفت.^۴

۳. سنجش حقوقی جرایم جنگی؛ نگرشی تطبیقی و راهبردی در موازنه قواعد حقوق بشری

1. Assembly/African Union/Dec. 427 (XIX) (2012).

2. Arusha - Tanzania

3. Hissène Habré

۴. ر.ک: محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۴.

وفق بند «D» ماده ۲۸ از سند الحاقی مالابو به اساسنامه دیوان آفریقا، جرایم جنگی در هفت سطح شامل «نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ ژنو»، «نقض فاحش پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۸ ژوئن ۱۹۷۷ ژنو و سایر تخلفات جدی از حقوق و عرف قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، «تخلف جدی از ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ ژنو در زمان مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی»، «تخلف جدی از ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ ژنو در زمان مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی نظیر اخلال و تنش‌های داخلی نظیر شورش، رفتار خشونت‌آمیز و دیگر رفتارها با ماهیتی مشابه که فاقد کاربرد هستند»، «تخلفات جدی دیگر از حقوق و عرف مناسب در مخاصمات مسلحانه فاقد ویژگی بین‌المللی در چارچوب رسمی حقوق بین‌الملل»، «ارتکاب مخاصمات مسلحانه طولانی میان مراجع دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا بین چنین گروه‌هایی» و «استعمال سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر سلاح‌های کشتار جمعی» تقسیم‌بندی شده است.

۱.۳. شناسایی جرایم جنگی در پرتو موازین حقوق بشردوستانه

جرایم جنگی به‌مثابه قدیمی‌ترین جرایم بین‌المللی وفق صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در ساختار نظام عدالت کیفری بین‌المللی، به‌مثابه نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه است^۱ و ماهیت حقوقی آن وفق ماده ۸ اساسنامه رُم مشتمل بر چهار دسته از این جرایم بوده که دو دسته آن راجع به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و دیگری در ارتباط با مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است که به‌عنوان اولین مصداق از نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پس از آن از دیگر نقض‌های فاحش مقررات و عرف‌های قابل اجرا بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و در پی آن‌ها از نقض فاحش ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دیگر نقض‌های فاحش مقررات و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی با ذکر مصادیق نام برد. به‌علاوه، می‌توان اذعان داشت که «حقوق مخاصمات مسلحانه در ارتباط قابل ملاحظه‌ای با نظام حقوق بین‌المللی کیفری است. ماده ۲۱ اساسنامه رُم، اصول و قواعد حقوق بین‌المللی از جمله اصول مسلم حقوق بین‌المللی مخاصمات مسلحانه را به‌مثابه یکی از منابع حقوق قابل اجرای دیوان کیفری بین‌المللی مقرر کرد که در این راستا بسیاری از جرایم بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، ناشی از نقض اصول کلی و قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه است.» (مؤمنی، ۱۳۹۳: ۳۳)

1. See: Abbas, 2013: 933-946.

در واقع، مجموعه وسیعی از قواعد ماهوی در چارچوب آن قرار دارند که مشتمل بر کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به‌عنوان احکام لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به‌عنوان احکام ژنو موسوم هستند. به‌ر حال، جرایم جنگی به‌طور کلی به‌مثابه نقض شدید مقررات یا عرف‌های جنگی که در مخاصمات مسلحانه ارتکاب می‌یابند، اطلاق می‌شود. البته هدف غایی در مقررات جنگی آن است که مقاصد نظامی در مسیری قرار گیرند تا از تحمیل درد، رنج و خسارات بدون مبنا و نامتناسب پیشگیری نمایند. این در حالی است که هدف دیگر در تدوین چنین مقرراتی ناظر بر مخاصمات مسلحانه، حمایت از کرامت و حیثیت انسانی در زمان درگیری است. لازم به‌ذکر است اصول حاکم بر مقررات جنگی مشتمل بر «اصل ضرورت نظامی»، «اصل محدودیت»، «اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض»، «اصل تفکیک»، «اصل تناسب»، «اصل حسن‌نیت» است که وفق آن‌ها کلیه افراد صرف‌نظر از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب و یا عقاید سیاسی، شایسته بهره‌مندی از رفتار کرامت‌مدار انسانی هستند.» (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

دیوان کیفری بین‌المللی در حمایت از حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مبادرت به جرم‌انگاری جرایم جنگی نموده است. احراز این دسته از جرایم در صلاحیت دیوان مشتمل بر معیارهایی نظیر «فعل تشکیل دهنده جرم» و «چارچوب و قلمرو ارتکاب رفتار مجرمانه» است. از اینرو، افعال تشکیل دهنده جرایم جنگی مطابق ماده ۸ اساسنامه رُم شامل، «نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹»، «نقض شدید دیگر قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، «نقض‌های فاحش قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی» است. در عین حال، مصادیق چارچوب و قلمرو ارتکاب رفتار مجرمانه، وجود «مخاصمات مسلحانه» در فرایند جرایم جنگی است. البته وصف غیربین‌المللی در مخاصمات، وجود یک مخاصمه مسلحانه «طولانی مدت» میان نیروهای حکومتی و گروه‌های مسلح یا میان خود گروه‌های مسلح از یک‌سو، و وجود چنین گروه یا گروه‌های سازمان‌یافته مسلح که درگیر این مخاصمه باشند از سوی دیگر، شرط است. در اساسنامه رُم، مخاصمات مسلحانه با وصف غیر بین‌المللی به‌طور صریح از «آشوب‌های داخلی» تفکیک شده است.

مطابق راهبرد این سند الحاقی، مقرره جرایم جنگی نظیر مقرره مربوط در اساسنامه رُم حداکثر تعداد جرایم منفرد را شامل می‌شود و حتی چهارده جرم دیگر را به پنجاه و سه جرم ماده ۸ اساسنامه رُم اضافه و به‌طور کلی شصت و هفت جرم اعلام می‌شود. این جرم با جرایم ماده ۸ اساسنامه رُم یکسان است (Rowe, 2021: 55-56). از این‌رو تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی فرصت حذف کردن محدودیت بسیار جنجالی حاصل از عبارت زیر را از دست داده‌اند؛

به‌ویژه مادامی که به‌صورت بخشی از طرح یا سیاست یا بخشی از ارتکاب تمام‌عیار چنین جرایمی واقع شوند. درحالی‌که با این ابداع تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس رُم آسیب واردشده با تفسیر آن به‌مثابه عنصر صلاحیت قضایی تحلیل یافته است^۱، اما کماکان نوعی محدودیت غیرضروری در مقررۀ جرایم جنگی هست که به‌موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی الزامی نشده است. «استناد آشکار به پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو در ماده D۲۸(ب) سند الحاقی مالابو زاید است؛ زیرا سند الحاقی به بند «خ» به چارچوب رسمی حقوق بین‌الملل مورد اشاره در هر دو ماده ۸(۲)(ب) اساسنامه رُم و D۲۸(ب) سند الحاقی مالابو تعلق دارد.» (Omorogbe, 2019: 297-298)

در زیرپاراگراف مقرر در ماده D۲۸(ب)، جرم جدید مخاصمه مسلحانۀ بین‌المللی اضافه شده است: آغاز حملۀ بین‌المللی به استحکامات و تأسیسات حاوی مواد خطرناک، با آگاهی از اینکه چنین حمله‌ای تلفات یا صدمات جانی فاحشی برای غیرنظامیان یا خسارت مالی شدید به آماج غیرنظامی‌ای را در پی دارد که فراتر از مزیت نظامی ملموس و مستقیم پیش‌بینی‌شده باشد. این جرم مبتنی بر ماده ۵۶ سند الحاقی است که طبق آن حمله به استحکامات یا تأسیسات حاوی عوامل خطرناک مانند سد، آب‌بند و نیروگاه‌های برق هسته‌ای ممنوع است؛ اما با این مقررۀ مشکلات خاصی پدید می‌آید.

نخست، تبدیل ممنوعیت اولیه حقوق بشردوستانه بین‌المللی به یک مقررۀ کیفری، بدون مجادلۀ دیگر به‌سادگی ممکن نیست. به‌دلیل عقوبت مظنونان احتمالی، کیفری کردن این ممنوعیت مستلزم موجه‌نمایی ویژه است. معلوم نیست چنین توجیهی به ذهن تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس خطور کرده باشد؛ زیرا هیچ اقدامی برای اطلاع ما از آن به عمل نیامده است. دوم، ممنوعیت در سند الحاقی اصلاً مطلق نیست؛ چرا که در آن حمله به استحکامات و تأسیساتی که هدف نظامی باشند مجاز دانسته می‌شود. البته این امر را می‌توان وفق بند دوم از پروتکل دوم الحاقی مورد ملاحظه قرار داد. این مورد به‌طور صرف معقول و منطقی است. به‌عنوان نمونه، می‌توان موردی را در نظر گرفت که یک طرف مخاصمه از مانعی با اهداف نظامی بهره‌برداری می‌کند. در نتیجه به اقتضای نظامی، حملۀ طرف دیگر مخاصمه به این مانع موجه می‌شود. در مقابل، طرح پیشنهادی سند الحاقی مالابو به‌عنوان راهبردی نوین، بدین مضمون است که چنین حملاتی مطلقاً منع شده‌اند و در نتیجه جرم‌انگاری نمی‌شوند؛ هر چند این امر موجب وضعیت حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیست (Jalloh, 2019: 237).

1. See: Ambos, 2014:118-119.

مادامی که منابع حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بین‌المللی (حقوق لاهه و ژنو) را برای شناسایی مبانی حقوقی این جرایم مورد بررسی قرار گیرد، شش جرم اضافی در پاراگراف (ب) در خصوص مخاصمه مسلحانه بین‌المللی که بر کنوانسیون‌های ۴-۱ ژنو، کنوانسیون‌های لاهه و پروتکل اول الحاقی مبتنی هستند، قابل ملاحظه است. به عبارت دقیق‌تر، زیرپاراگراف (ب) (۲۸) بر ماده ۱۱۸ کنوانسیون شماره ۳ ژنو و ماده ۸۵ (۴) (ب) پروتکل اول الحاقی مقرر شده‌اند؛ و زیرپاراگراف‌های (ب) (۲۹) و (ب) (۳۰) بر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی مبتنی‌اند. در مورد زیرپاراگراف (ب) (۳۱) رفتار انسانی با زندانیان^۱ و قاعده پاداش‌دهی منصفانه به کار آن‌ها^۲ کاربرد دارند. مجازات جمعی در زیرپاراگراف (ب) (۳۲) در ماده ۸۷ از کنوانسیون سوم ژنو منع می‌شود. در پایان، زیرپاراگراف (ب) (۳۳) تحت پوشش مقررۀ اموال و املاک ماده ۵۴۱ از کنوانسیون دوم ژنو قرار دارد.

۲.۳. جرم‌انگاری کاربرد و استعمال سلاح‌ها

راجع به استعمال و به‌کارگیری سلاح‌ها در مخاصمات مسلحانه یا منع صریح، اعم از معاهده‌ای یا عرفی، وجود ندارد و یا استفاده از آن‌ها به‌موجب معاهدات خاص ممنوع و یا محدود شده است. برای سنجش حقوقی این امر در ابتدا باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی مراجعه کرد. از اینرو، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی با تعداد بی‌شماری از مقررات و احکام کاربردی در خصوص استفاده از مواد منفجره و ادوات مرگبار از نوع تحت پوشش کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی مدارا می‌کند. یکی از مرتبط‌ترین قواعد، هر چند به استفاده از ادوات این‌گونه اشاره اکیدی ندارد، ممنوعیت هر نوع حمله بر علیه جمعیت غیرنظامی است. در واقع، حقوق بشر دوستانه به‌طور تلویحی مشخص کرده که می‌توان حمله به جمعیت غیرنظامی را عملی تروریستی قلمداد نمود. پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مقررۀ مشترکی دارند که اشعار می‌دارد: «جمعیت نظامی به خودی خود، و همین‌طور افراد غیرنظامی هدف حمله نخواهند بود. رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی‌شان ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع هستند.»

به‌علاوه، حقوق بشر دوستانه استفاده انواع خاصی از ادوات مرگبار را در درگیری مسلحانه ممنوع کرده و هم‌چنین روش استفاده از ادوات انفجاری علیه نیروهای دشمن در طول درگیری مسلحانه را محدود کرده است. به‌عنوان نمونه، کنوانسیون اول ۱۹۴۹ ژنو، هر نوع حمله به بیمارستان‌ها یا تأسیسات و ساختمان‌های پزشکی دیگر یا کارکنان پزشکی را ممنوع کرده است. ممنوعیت

۱. ر.ک: ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو.

۲. ر.ک: ماده ۶۲ کنوانسیون سوم ژنو.

اقدام‌های خیانت‌کاران از جمله وانمود کردن به رتبه غیرنظامی به منظور اجرای حمله، در خصوص استفاده از ادوات انفجاری نیز کاربردپذیر است. «پروتکل ۱۹۸۰ راجع به استفاده از مین و سایر ادوات انفجاری»، استفاده خشونت‌آمیز ادوات انفجاری را ممنوع کرده است، از جمله پنهان کردن آنها در اسباب بازی، غذا، وسایل پزشکی و بقایای انسانی. معاهداتی که به این منظور پذیرفته شده اند مثل «پروتکل ۱۹۲۵ ممنوعیت استفاده از گازهای سمی و خفشان‌آور و شیوه‌های جنگی باکتریولوژیک در جنگ»، «کنوانسیون ۱۹۹۳ منع توسعه، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها» و «کنوانسیون ۱۹۹۷ منع استفاده، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد کارکنان و انهدام آنها»، استفاده از انواع خاصی از مواد و ادوات را ممنوع کرده‌اند.

در مورد جرم استعمال سلاح‌ها و روش‌های جنگی که به‌طور ماهوی به صدمات و درد و رنج ناپایسته می‌انجامند یا ذاتاً در تخلف از حقوق بین‌الملل مخاصمه مسلحانه تشخیص داده نمی‌شوند، در پاراگراف (ب)(۲۱)، بخش «مشروط به آنکه» در ماده ۸(ب)(۲۰) اساسنامه رم از قلم افتاده است. یعنی تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی مالابو فرض کرده‌اند که استفاده از سلاح‌های نامبرده در این پاراگراف به‌موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی ممنوع شده و با وجود اینکه صرفاً در سند الحاقی فهرست شده‌اند، قابلیت جرم‌انگاری دارند.

خاستگاه رویارویی با کلیه اشکال و ظواهر اقدام‌های تروریستی با استعمال و به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های نوین، دغدغه‌های جامعه بین‌المللی راجع به گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استفاده احتمالی از کلیه شیوه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای یا مواد رادیواکتیو و پرتوزا از سوی توسط عوامل غیردولتی برای اهداف غیرصلح‌آمیز است. از این‌رو قابل درک است که اولین معاهده در بردارنده قواعد حقوق کیفری هسته‌ای «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای» به تاریخ بیست و ششم اکتبر ۱۹۷۹ می‌باشد که هدف کلی آن پیشگیری از عوامل غیردولتی از استحصال غیرقانونی مواد هسته‌ای است. کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای تنها سند موجود حقوق هسته‌ای محدود به حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای بوده که برای اهداف صلح‌آمیز به کار می‌روند. از این‌رو مواد هسته‌ای دارای منشأ نظامی درون سایت‌های نگاهداری در کشورهایی که می‌توانند هدف اقدام‌های تروریستی قرار گیرند را در بر نمی‌گیرد، به‌علاوه اینکه کنوانسیون ۱۹۸۰ همچنین تمایزی میان اقدام‌های تروریسم هسته‌ای و دیگر اقدام‌های مجرمانه قائل نمی‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سیزدهم آوریل سال ۲۰۰۵ «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای» را پذیرفت. این کنوانسیون چارچوب عمل حقوق کیفری هسته‌ای را به گونه‌ای برجسته و وسعت بخشیده است هر چند هدف اولیه پیشگیری از اقدام‌ها و گونه‌های فراوان تروریسم هسته‌ای است، اما چارچوب مقررهای کیفری آن به طور کلی به این دیدگاه محدود نمی‌شود. این کنوانسیون چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مقابله با تهدیدهای تروریستی را گسترش می‌دهد. در این راستا، این معاهده بستر

حقوقی لازم برای همکاری بین‌المللی با هدف پیشگیری تروریست‌ها از کسب و تحصیل سلاح‌های کشتار جمعی که انفجار آن می‌تواند عواقب فجیعی در یک جامعه ایجاد کند را فراهم می‌کند. کنوانسیون مقابله با اقدام‌های تروریسم هسته‌ای را به‌طور کلی تعریف می‌کند و طیف وسیعی از اهداف مورد توجه شامل نیروگاه‌های هسته‌ای و راکتورهای هسته‌ای را برمی‌شمارد.

با این حال، در پاراگراف (چ)، جرم جدید در مخاصمه مسلحانه از جنبه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی اضافه می‌شود. این جرم‌انگاری همه‌جانبه فاقد متمایزسازی الزامی در نظریه رايزنی ديوان دادگستری بین‌المللی در این قضیه است. ديوان بیان داشت در حقوق بین‌الملل عرفی یا حقوق بین‌الملل متعارف (قراردادی) به‌شکل اختصاصی تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای مجاز یا غیرمجاز اعلام نشده‌اند.^۱ ديوان در ادامه افزود چنین استفاده‌ای فقط در صورتی غیرقانونی خواهد بود که با ماده ۲(۴) منشور ملل متحد منافات داشته و به‌موجب ماده ۵۱ منشور براساس دفاع مشروع موجه نشده باشد. در نهایت، ديوان مسأله قانونی یا غیرقانونی بودن چنین تهدید یا چنین استفاده‌ای از سلاح شیمیایی در اوضاع و احوال حاد دفاع مشروع را در شرایطی باز گذاشت که بقای کشور در معرض خطر قرار گرفته باشد. این در حالی است که وفق ماده نخست از «کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، مصوب ۱۹۹۳» ممنوعیت استفاده از این سلاح‌ها برای کلیه دولت‌های عضو مطلق است؛ در واقع این اطلاق ممنوعیت، اختصاص به زما مخاصمه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی ندارد و دولت‌های عضو تحت هیچ شرایطی از جمله در آشوب‌ها و شورش‌های داخلی نباید بدان‌ها متوسل شوند. در ضمن، «ممنوعیت مقرر در این کنوانسیون تنها دولت‌های عضو را شامل نشده و کلیه دولت‌ها ملزم به رعایت این منع به‌منزله یک قاعده در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی هستند. لازم به‌ذکر است که این قاعده عرفی به‌عنوان قاعده ۷۴ در مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حقوق بشر دوستانه بین‌المللی عرفی مورد شناسایی قرار گرفته است.» (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۱۱۱)

وفق همین امر، ادعای غیرقانونی بودن تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و حتی جرم‌انگاری آن به چیزی بسیار فراتر از عبارت موجز و اندکی مبهم پاراگراف (چ) نیاز دارد. در خاتمه پرسش این است که آیا استفاده از سلاح هسته‌ای با مقرره‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه فوق‌الذکر، که در آنها استفاده از سلاح‌های منجر به صدمات یا درد و رنج غیرضروری منع شده‌اند، منافات دارد. در هر صورت این واقعیت که سلاح‌های هسته‌ای در الحاقیه مورد اشاره در ماده ۸(ب)(۲) اساسنامه^۲ رُم درج نشده‌اند، استدلالی علیه جرم‌انگاری آنها براساس حقوق موجود است.

1. See: International Court of Justice, Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para 105 2(A) and (B).

۳.۳. منع استخدام و به‌کارگیری کودکان

با توجه به اینکه کودک، به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه در مواقع بحرانی و اضطراری رشد و نمو می‌یابد، در اسناد بین‌المللی دارای حمایت‌های حقوقی است.^۱ از این‌رو، کودک در نظام بین‌المللی از دو نوع حمایت عام و خاص برخوردار است. بر همین اساس، منظور از حمایت عام این است که آنها در زمره غیرنظامیان قرار داشته و از حمایت‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی نیز برخوردار می‌باشند. همچنین منظور از حمایت خاص، حمایتی است که منحصرأ به دسته‌ای از افراد به‌دلیل ویژگی‌های خاص و وضعیت جسمی، سنی، جنسی و غیره آنان اختصاص دارد.

«در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بین دولت‌ها کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی اعمال می‌شود. حقوق بشردوستانه برای دو طرف مخاصمه وضع شده و از هر شخص یا گروهی که در مخاصمه شرکت نکرده اند یا آن را ترک گفته‌اند (نظیر غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی هم‌چون زنان و کودکان)، حمایت می‌نماید.» (مروت، ۱۳۸۵: ۱۵۴) به‌علاوه، در زمان وقوع یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، به‌عنوان نمونه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم اعمال می‌گردد و مقررات حقوق بشر دوستانه از نیروهای مسلح که در مخاصمه شرکت نکرده اند یا مخاصمه را ترک کرده اند، هم‌چون جمعیت غیرنظامی نظیر زنان و کودکان حمایت می‌نماید. این در حالی است که با توجه به گسترش مخاصمات و اثر آن بر کودکان، شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع را در دستور کار خود قرار داده و از آگوست سال ۱۹۹۹ تا آوریل سال ۲۰۰۴ با صدور قطعنامه‌هایی شامل (۱۹۹۹) ۱۲۶۱، (۲۰۰۰) ۱۳۱۴، (۲۰۰۰) ۱۳۷۹، (۲۰۰۳) ۱۴۶۰، (۲۰۰۴) ۱۵۳۹، موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه را مورد توجه قرار داد. البته مجمع عمومی سازمان ملل متحد نظیر شورای امنیت اقدام‌های مؤثری در مورد حمایت از کودکان صورت داد. مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۵۱/۷۷ در فوریه ۱۹۹۷، دولت‌ها را به رعایت قواعد بین‌المللی در زمینه حمایت از کودکان فراخوانده و همواره نگرانی عمیق خویش را از وضعیت اسفبار کودکان در مخاصمات مسلحانه یادآور شده است.^۲ البته در سپتامبر سال ۲۰۰۰، کلیه دولتهای عضو مجمع

۱. سازمان ملل متحد با تصویب «پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه» در سال ۲۰۰۰، ورود اطفال را در مخاصمات مسلحانه ممنوع کرد. البته «این پروتکل راجع به درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، تحت تأثیر به‌کارگیری وسیع کودکان به‌ویژه مخاصمات داخلی کشورهای آفریقایی و به‌نحو آشکار در مخاصمات داخلی کشور سیرالئون که آمادگی لازم را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرده بود، حمایت در زمینه حداقل سن استخدام در نیروهای مسلح را افزایش داد.» (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۴۶)

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ با صدور اعلامیه «حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و مخاصمات‌های مسلحانه» توجه ویژه خویش را به مسأله حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات صحنه گذاشت.

عمومی وفق قطعنامه ۵۵/۲ گردهم آمدند و با همدیگر عهد بستند که حمایت های خویش را در مورد کودکان مطابق حقوق بشر دوستانه بین المللی ارتقاء بخشیده و تقویت نمایند.

در ضمن اسناد مزبور، «منشور آفریقایی راجع به حقوق و رفاه کودک»^۱ حمایت از کودک چه در عرصه های حقوق بشری و چه در مخاصمات مسلحانه مورد توجه است. دومین نکته حائز اهمیت در این سند، تعیین سن دقیق برای تعریف مفهوم کودک است. ماده ۲ این منشور کودکان را افراد انسانی می داند که سن زیر هجده سال دارند. وفق ماده ۲۲ این منشور، دولت های عضو احترام و تضمین به احترام قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی در تعارض مسلحانه ای که بر کودکان تأثیر می گذارند را بر عهده می گیرند و تعهد می نمایند که تمامی تدابیر ضروری برای عدم شرکت مستقیم کودک در مخاصمات مسلحانه و خودداری از سربازگیری از میان کودکان را اتخاذ نماید. در ضمن، مطابق ماده ۲۵ این منشور، تعهدات تنها در مورد مخاصمات بین المللی نیست، بلکه در مخاصمات مسلحانه داخلی نیز بر عهده دولت ها است. دولت های عضو هم چنین در خصوص بازگرداندن مجدد کودکان که بر اثر تعارضات مسلحانه از پدر و مادرشان جدا شده اند، به آغوش خانواده هایشان تدابیر خاص اتخاذ خواهند نمود. به علاوه، شورای وزیران سازمان اتحادیه آفریقا در ژوئیه ۱۹۹۶ با صدور قطعنامه ۱۶۵۹ وضعیت کودکان آفریقایی را در شرایط مخاصمات مسلحانه مورد تأکید قرار داد. این در حالی است که اتحادیه آفریقا با تصویب «کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای حمایت و کمک به آوارگان داخلی در آفریقا، مصوب ۲۰۰۹» موسوم به «کنوانسیون کامپالا»^۲ افزون بر مقررات راجع به آوارگان داخلی، مشتمل بر حقوق و حمایت های خاصی برای کودکان در نظر گرفت.^۳

با این همه، یکی از موارد رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی، رعایت حقوق کودکان در خلال مخاصمات مسلحانه و مصون ماندن آنان از خطرات و بلاهای ناشی از آن است که وفق زیرپاراگراف (ب) (۲۷) سند الحاقی مالابو، احضار کودکان زیر هجده سال برای خدمت در نیروهای مسلح کشور یا برای استفاده از آنها برای شرکت فعال در مخاصمه جرم اعلام شده است. در اینجا تنظیم کنندگان پیش نویس فرصت درج صریح بازیگران غیردولتی به خصوص گروه های شبه نظامی در جایگاه مهم ترین مرتکبان جرم مزبور را از دست داده اند. جرم مشابه مخاصمه مسلحانه

1. Organization of African Unity, African Charter on the Rights and Welfare of the Child (Adopted 1990, entered into force 29 November 1999) OAU Doc. CAB/LEG/24.9/49.

2. See: Adeola and D Mezmur, 2021: 6-7; M Deng and Adeola, 2021: 11-12.

۳. در قاره آفریقا به دلیل حضور استعمارگران در طول تاریخ و عدم توسعه یافتگی صنعتی و اقتصادی و حتی اجتماعی، فقر، و قحطی، امکان حصول به ثبات سیاسی را نداشته است. وفق همین امر، به کرات دیده شده است که در خلال مخاصمات مسلحانه از کودکان را به عنوان سرباز کودک مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. «طلعت و آهنگر اصیل،

غیربین‌المللی با صراحت چنین گروه‌هایی را شامل می‌شود^۱، اما تنها برای مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی کاربرد دارد. بنابراین «در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، احضار کودکان به خدمت نظامی توسط یک بازیگران غیردولتی تعقیب و مجازات نخواهد شد.

در شعبه پیش از دادرسی پرونده لوبانگا^۲ تفسیر جامعی ارائه و اظهار شد^۳ و ابسته وصفی «ملی» (کشوری) بدین مضمون نیست که نیروهای مسلح باید وابسته به دولت باشند^۴، اما این بحث و استدلال متقاعدکننده نیست.» (Ambos, 2014:179)؛ بلکه واژه «ملی یا کشور» به‌طور دقیق با هدف محدودیت چارچوب این مقرر به نیروهای مسلح دولتی وارد شده است. همچنین در حقوق بین‌بشردوستانه بین‌المللی از اصطلاح «نیروهای مسلح» برای اشاره به نیروهای مسلح نامبرده در قانون‌گذاری ملی استفاده شده است. تفسیر جامع به‌منظور درج بازیگران غیردولتی در این مقرر به اصل مشروعیت‌سازش‌ناپذیر است؛ زیرا تفسیر دقیق و اکید را الزامی و از گسترده‌سازی تعریف جرم به‌واسطه قیاس و تشبیه ممانعت می‌شود.» (Ambos, 2013: 88-95) باتوجه‌به این پیشینه، عاقلانه‌تر بود که تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی مالابو به‌طور صریح بازیگران (گروه‌های) دولتی را در رکن مادی جرم احضار کودکان به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی قید می‌کردند. از آنجاکه این اعلام صریح رخ نداده است، دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا با همان مشکل دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص احضار سرباز کودکان به گروه‌های شبه‌نظامی مواجه خواهد شد؛ یعنی یک مخاصمه خاص باید واجد شرایط مخاصمه غیربین‌المللی باشد تا تحت پوشش مقررۀ تقریری در ماده ۲۸(ه) (۷) مرتبط با جرم در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

رویکرد اتحادیه آفریقا با توجه به برآیند موجود در این مطالعه، معطوف به رفع خلاء ناشی از فقدان یک دادگاه کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا بود. در واقع، گسترش صلاحیت دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا از طریق سند الحاقی مالابو به اساسنامه دیوان طی سال ۲۰۱۴ مبتنی بر رسیدگی به جرایم بین‌المللی نظیر نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز بود؛ هرچند صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی به‌طور کلی توأم با صلاحیت دیرین خود نسبت به جرایم تحت صلاحیت، ضمن عدم وجود تعارض موضوعی و شکلی، چالشی را در پی نداشت.

1. See in contrast Article 8 (2)(e)(vi) of the ICC Statute and here para (e)(vii).

2. Lubanga Pre-Trial

۳. ر.ک: روت و مولینز، ۱۳۹۶: ۲۶۱-۲۵۹.

4. Lubanga, No. ICC-01/04-01/06-803-tEN, para 277.

آنچه در چارچوب سند الحاقی مالابو راجع به شناسایی و توسعه صلاحیت دیوان آفریقا در رسیدگی به جرایم جنگی به تصویب رسید، گونه‌هایی از تخلفات فاحش و نقض قواعد و موازین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی است. به‌رغم اینکه مصادیق مقرر در سند الحاقی مالابو راجع به جرایم جنگی به‌نوعی بازخوانی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرایم جنگی وفق اساسنامه رُم بود، اما به‌نظر می‌رسد تمرکز رسیدگی‌های کیفری در چنین جرایمی در قلمرو صلاحیت دیوان آفریقا از حیث هم‌گرایی دولت‌های آفریقایی با اتحادیه آفریقا معامله ثمربخشی را در این فرایند رقم زند؛ چرا که دولت‌هایی آفریقایی نسبت به بی‌طرفی دیوان کیفری بین‌المللی در اعمال صلاحیت و رسیدگی به جرایم بین‌المللی به‌ویژه جرایم جنگی تردیدهایی را داشتند.

با این همه، صلاحیت دیوان آفریقا در رسیدگی به جرایم جنگی در چارچوب سند الحاقی مالابو می‌تواند چالش‌های ناشی از خروج دولت‌هایی آفریقایی را از دیوان کیفری بین‌المللی تا حدودی مرتفع نماید. در ضمن، شائبه‌هایی نظیر فقد استقلال در رسیدگی‌هایی قضایی و سیاست‌زدگی در نیل به حکمی مشروع و حقوقی را از میان بردارد. البته رویکرد دیوان آفریقا نسبت به رسیدگی به جرایم جنگی وفق سند الحاقی مالابو به‌نحوی بود که برخی از چالش‌های موجود در اساسنامه رُم نظیر «تمرکز به موازین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه با تمرکز در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو»، «وضعیت به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه»، «ارتکاب مخاصمات مسلحانه طولانی میان مراجع دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا بین چنین گروه‌هایی» و حتی «استعمال سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر سلاح‌های کشتار جمعی» را تحت پوشش قرار داد. بنابراین، راهبردی نوین سند الحاقی مالابو در قبال جرایم جنگی، درصدد رفع چالش‌های موجود و موانع اعمال صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی طی سال‌های پس از اجرایی شدن اساسنامه رُم با نگاهی منطقه‌ای برآمد؛ هرچند فضایی لازم برای اجرایی شدن مفاد مقرر در سند الحاقی در نیل به اهداف از پیش تعیین شده از سوی اتحادیه آفریقا تاکنون ایجاد نشده است.

منابع

اسلامی، رضا و بصیرت، یلدا (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل برخی آراء کمیسیون آفریقای حقوق بشر و مردم»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۲، ص ۳۱۹-۳۷۱.

بانتیکاس، ایلیاس (۱۳۹۷)، *ابعاد انسان‌شناختی جنایات بین‌المللی و عدالت کیفری بین‌المللی*، ترجمه پوپک دبستانی، در: رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری، ویراستار ایلیاس بانتیکاس و امانوئلا میلوناکی، به‌کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

- ضیایی، سیدیاسر و جعفرزاده‌درابی، صادق (۱۳۹۴)، «ساختار و عملکرد دیوان آفریقایی حقوق بشر»، **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۲۷، ص ۱۵۵-۱۷۴.
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴)، **حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی**، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- خالقی، علی؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و صلاحی، سهراب (۱۳۹۱)، «جنایات ارتكابی در زندان ابوغریب از منظر عدالت کیفری»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۰، ص ۲۲۷-۲۵۶.
- علی‌پور، محمد (۱۳۹۷)، «آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری»، **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۳۶، ص ۱۵۹-۱۸۷.
- صالحی، جواد (۱۳۹۶)، «چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان؛ از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه»، **پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۵۷، ص ۶۹-۸۹.
- صالحی، جواد (۱۳۹۹)، «نقدی بر تقابل اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو وی با دیوان کیفری و تأثیر آن بر رویه قضایی بین‌المللی»، **مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲، ص ۷۹۳-۸۰۳.
- طلعت، آرمین و آهنگراصیل، محمد (۱۳۹۵)، «حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی»، **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۳۰، ص ۱۱۵-۱۴۵.
- رضایی، حجت‌اله؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ آشوری، محمد و مهرا، نسرین (۱۳۹۸)، «دیوان کیفری بین‌المللی در آستانه دو دهه فعالیت؛ چالش‌ها و دستاوردها»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۸، ص ۸۳-۱۱۰.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره؛ یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۷.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «توسعه تدریجی عدالت کیفری منطقه‌ای با تأکید بر دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۲، ص ۲۶۱-۳۸۳.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین و بهشتی، منصور (۱۳۹۶)، «تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و راهکارها»، **مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۱، ص ۱-۲۶.
- روت، داون و مولینز، کریستوفر (۱۳۹۶)، **نسل‌زدایی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در آفریقای مرکزی؛ اکتشاف جرم‌شناختی**، ترجمه سمانه طاهری، در: جرم‌شناسی فراملی؛ به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، به‌کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.



- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۲)، «تعهد به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۲، ص ۴۳-۶۸.
- زمانی، سیدقاسم و حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۹۴)، «جامعه بین‌المللی و عدالت کیفری جهانی»، **مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۳، ص ۳۱۵-۳۳۹.
- مروت، مجتبی (۱۳۸۵)، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۸، ص ۱۳۹-۱۷۹.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۹۳)، **حقوق بین‌المللی کیفری**، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ممتاز، جمشید و شایگان، فریده (۱۳۹۳)، **حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر**، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- میرمحمدصادقی، حسین و عابد، رسول (۱۳۹۱)، «جرایم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱، ص ۹۷-۱۲۰.
- Abbas, Ademola, (2013), "Prosecuting International Crimes in Africa: Rationale, Prospects and Challenge", **The European Journal of International Law**, Vol. 24, No. 3.
- Adeola, Romola and Benyam D Mezmur (2021), "The Protection of Internally Displaced Children in Africa: A Doctrinal Analysis of Article 23(4) of the African Children's Charter", **Journal of African Law**, Vol.65, No. 2.
- Ambos, Kai (2013), **Treatise on International Criminal Law; Foundations and General Part**, Vol. 1, Oxford University Press.
- Ambos, Kai (2014), **Treatise on International Criminal Law; The Crimes and Sentencing**, Vol. 2, Oxford University Press.
- Clark, Phil (2018), **The Impact of the International Criminal Court on African Politics**, Cambridge University Press.
- M Deng, Francis and Romola Adeola (2021), "The Normative Influence of the UN Guiding Principles on the Kampala Convention in the Protection of Internally Displaced Persons in Africa", **Journal of African Law**, Vol.65, No. 2.
- Imoedemhe, Ovo (2015), "Unpacking the Tension Between the African Union and the International Criminal Court: The Way Forward", **African Journal of International and Comparative Law**, Vol. 23, No. 1.
- Jalloh, Charles and Ilias Bantekas (2017), **The International Criminal Court and Africa**, Oxford University Press.
- Jalloh, Charles C. (2019), "A Classification of the Crimes in the Malabo Protocol", in: **The African Court of Justice and Human and Peoples' Rights in Context**, Edited by Charles C. Jalloh, Kamari M. Clarke and Vincent O. Nmeihelle, Cambridge University Press.

- Kahombo, Balingene (2016), "Africa within the Justice System of the International Criminal Court: The Need for a Reform", **KGG Working Paper Series**, No. 2, Berlin Potsdam Research Group "The International Rule of Law – Rise or Decline?", Berlin, May.
- Keppler, Elise (2012), "Managing Setbacks for the International Criminal Court in Africa", **Journal of African Law**, Vol.56, No. 1.
- Martini, Pauline (2021), "The International Criminal Court Versus the African Criminal Court", **Journal of International Criminal Justice**, Vol. 18, No. 5.
- Omorogbe, Eki Yemisi (2019), "The Crisis of International Criminal Law in Africa: A Regional Regime in Response?", **Netherlands International Law Review**, No. 66.
- Ross, Callum (2018), "Selective Justice and Persecution? The African View of the ICC-UNSC Relationship", **E-International Relations**, <https://www.e-ir.info/2018/09/16/selective-justice-and-persecution-the-african-view-of-the-icc-unsc-relationship>, SEP 16.
- Rowe, Emily (2021), "The ICC-African Relationship: More Complex Than a Simplistic Dichotomy", **FLUX: International Relations Review**, No. 4.

